

مبانی و منابع

مسئولیت کیفری تولیدکنندگان کالاهای معیوب*

- ابوذر علی‌اکبری سفید دارین^۱
- عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور - مرکز آمل

چکیده

در عصر حاضر، جامعه روزبه‌روز به سوی صنعتی شدن گام برمی‌دارد و افراد زیادی نیز با انگیزه منفعت‌طلبی و سودجویی به تولید محصولات صنعتی با حجم وسیع اقدام می‌کنند، در نتیجه حجم وسیع این تولیدات، آثار و نتایج زیان‌بار ناشی از مصرف آنها را به دنبال خواهد داشت.

در حقوق کلاسیک، اصل آزادی اراده و تقصیر، مبنای مسئولیت تولیدکنندگان قرار می‌گرفت، ولی در زمان حاضر، به علت پیچیدگی‌های اثبات تقصیر و پاره‌ای مصلحت‌اندیشی‌های اجتماعی ناشی از آثار زیان‌بار استفاده از محصولات صنعتی، ارائه الگوی نوینی برای مسئولیت کیفری تولیدکنندگان محصولات صنعتی بدون نیاز به احراز تقصیر در فرایند تولید، امری ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا، استفاده از قواعد موجود در منابع

فقهی و یافتن مصادیقی که به استناد آنها بتوان با تولیدکننده‌ی خاطی برخورد کرد می‌تواند به عنوان مبنایی مناسب در تدوین یک سیاست کیفری کارآمد برای مقابله با تولیدکنندگان خاطی گردد.

در نهایت، شایان ذکر است که در نظام قانون‌گذاری کنونی نیز قواعد و مقرراتی وجود دارد که ضمانت‌اجراهایی را برای برخورد با تولیدکنندگان متخلف مقرر نموده و بررسی اجمالی این قوانین، خالی از فایده نخواهد بود.

واژگان کلیدی: مسئولیت کیفری، تولیدکننده، کالای معیوب، مبانی، منابع.

مقدمه

تنوع خواسته‌ها و نیازهای مادی بشر امروز و میل او برای تجربه‌های گوناگون، زندگی آدمیان را دستخوش تحولات بنیادین نموده است. تولید روزافزون کالاها و محصولات صنعتی متنوع، پاسخی به نیازهای مادی رو به رشد بشر است.

از این دیدگاه، صنعتی شدن جامعه و تولیدات زیاد همراه با رعایت استانداردهای مربوط، سرنوشت حتمی جوامع امروزی قلمداد می‌شود. اما تولید کالا و ارائه خدمات، آن هم در این حجم وسیع، خالی از اشکال نخواهد بود؛ زیرا وسوسه سود سرشار و منافع کلان تولید، گاهی باعث می‌شود تولیدکنندگان کالا و خدمات، به عمد یا بر اثر تقصیر با زیر پا نهادن قواعد و ضوابط قانونی و متعارف، کالایی را تولید کنند که مطابق استاندارد نبوده و موجب مسئولیت آنها شود. بنابراین، پیش‌بینی راهکارهای مناسب قانونی و تعیین مبانی منطقی برای تشخیص حدود و ثغور چنین مسئولیتی - حتی زمانی که تولیدکننده، عمد یا تقصیری در تولید محصولات معیوب نداشته باشد - امری ضروری و مطابق نیاز جوامع امروزی است. چراکه امروزه دیگر نمی‌توان روابط میان افراد را بر توافقی‌های انجام‌شده میان آنها استوار دانسته و اصل آزادی قراردادها را که در عرصه‌های گوناگون حاکمیت داشت همچنان حاکم بر روابط افراد - حداقل در بعضی زمینه‌های مهم و حساس که صدمه به تمامیت جسمانی را به دنبال دارد - تلقی نمود. در همین راستا، در سالهای اخیر، حقوق معاصر بیشتر کشورها به ویژه کشورهای پیشرفته و صنعتی، شاهد رشد مداخله‌گرایانه دولتها در روابط اجتماعی و مالی اشخاص حقیقی و حقوقی شده که نتیجه آن وضع قوانین حمایتی آمره از اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه است.

در نظر گرفتن مسئولیتها، تعیین وظایف و وضع دستورالعملهای مختلف در زمینه تولید و نظارت بر کار تولیدکنندگان و عرضه کنندگان محصولات صنعتی نیز به این دلیل مورد توجه دولتها قرار گرفته و در نهایت هدف از تصویب این قوانین، حمایت از مصرف کنندگان و پیشگیری از تحمیل یک جانبه شرایط و مفاد قرارداد از سوی تولید کنندگان و فروشندگان بر مصرف کننده می باشد. بر این اساس، تولید کننده صرف نظر از عمد یا جهل در تولید محصولات معیوب، صرفاً به دلیل ایجاد محیط یا کالای خطرناک می تواند مسئول شناخته شود.

بنابراین مسئولیت مطلق و ناشی از ایجاد خطر تولید کنندگان بر مبنای سود سرشاری که از تولید، نصیب آنان می شود در کنار مسئولیت ناشی از تقصیرشان، می تواند مبنای حقوقی مناسبی برای وضع قوانینی به منظور مقابله کیفری با تولید کنندگان قلمداد گردد. در نظام تقنینی ما، علاوه بر «قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان خودرو مصوب ۲۳ خرداد ۱۳۸۶» و «قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان مصوب ۱۵ مهر ۱۳۸۸» که به طور خاص به مسئولیت تولید کنندگان پرداخته اند، قوانین متفرقه دیگری نیز وجود دارند که تولید کنندگان را مکلف به رعایت ضوابط و معیارهای حفاظت فنی در امر تولید و توزیع و عرضه فرآورده ها یا مصنوعات نموده و برای تولید کنندگان متخلف ضمانت اجرای کیفری پیش بینی کرده است. در متون فقهی نیز قواعدی وجود دارد که می تواند مبنای برخورد کیفری با تولید کنندگان خاطی قرار گیرد. با توجه به این مقدمه، پرسشها و فرضیه های این پژوهش به شرح زیر می باشد:

(۱) آیا با جستجو در منابع فقهی می توان قواعد و روایاتی یافت که مبنای وضع قوانینی در برخورد با تولید کننده کالای معیوب قرار گیرد؟

(۲) در حقوق کیفری ایران چه منابع قانونی برای مقابله کیفری با تولید کنندگان محصولات صنعتی معیوب وجود دارد؟
فرضیه ها:

۱. قواعد و اصولی نظیر قاعده «لا ضرر» و «تسبیب» و برخی روایات می تواند مبنای مناسبی برای وضع قوانین کیفری در برخورد با تولید کننده کالای معیوب تلقی گردد.

۲. در صورتی که مصرف کالای معیوب سبب ورود خسارت شود؛ با فراهم بودن

ارکان مسئولیت، تولیدکننده از باب تسبیب و با استفاده از مواد قانون مجازات اسلامی حسب مورد به پرداخت دیه و حبس محکوم می‌گردد. ضمناً قوانین خاصی مانند: قانون نظام صنفی کشور، قانون تعزیرات حکومتی، قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و... نیز می‌تواند برای برخورد کیفری با تولیدکنندگان محصولات معیوب قرار گیرد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. مسئولیت کیفری

دهخدا، مسئولیت کیفری را ضمان، متعهد بودن، مسئول بودن و موظف بودن تعریف نموده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۳/۲۰۹۰۷). همین‌طور مسئول را کسی دانسته‌اند که فریضه‌ای بر دمه دارد که اگر به آن عمل نکنند از او بازخواست شود (معین، ۱۳۷۷: ۴۰۷۷/۳). همچنین این واژه از ریشه «سأل» به معنای زیر سؤال بردن، بازخواست کردن، مؤاخذه کردن و پاسخگو نیز آمده است (آذرنوش، ۱۳۸۴: ۲۷۳).

در تعریف اصطلاحی نیز مسئولیت به تعهد قانونی شخص برای رفع ضرری که به دیگری وارد کرده، تعریف شده است. خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود وی یا از فعالیت او ناشی شده باشد. در همین معنا لفظ ضمان را در فقه به کار برده‌اند و معنای آن هر نوع مسئولیت اعم از مالی و کیفری است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷: ۶۴۲). در کتب فقهی در مباحث مربوط به پرداخت دیات به ضمان و مسئولیت پرداخت دیه اشاره شده است. بنابراین تنها در صورتی که قائل به نظری باشیم که دیه را مجازات می‌داند می‌توانیم بپذیریم ضمان به کاررفته در متون فقهی به معنای مسئولیت کیفری می‌باشد.

در مفهوم اعم، مسئولیت را می‌توان الزام شخص به پاسخ‌گویی در قبال اعمال زیان‌آور خویش دانست. ولی به اعتبار زشتی عمل و نوع واکنش قانون‌گذار در قبال اعمال زیان‌آور، مسئولیت به انواع مختلف تقسیم می‌گردد: زمانی، اعمال زیان‌آور شخص او را ملزم به جبران خسارت ناشی از عمل می‌نماید؛ در این نوع مسئولیت که آن را مسئولیت مدنی می‌نامند حداکثر چیزی که شخص ملزم به انجام آن است

اعاده وضع سابق و جبران خسارت مالی وارده می‌باشد. مسئولیت مدنی، مسئولیتی است که در قبال خسارت زدن شخص یا افراد تحت مراقبت و اداره وی یا اشیای تحت حفاظت وی، به دیگران، ایجاد می‌گردد و در واقع، الزام شخص به جبران خسارتی است که به دیگری وارد کرده است (منتقمی، ۱۳۸۵: ۱۰).

در برخی موارد، عمل نامشروع شخص، علاوه بر ایراد خسارت به دیگران (یا حتی بدون ایراد خسارت مادی) به دلیل تعارض با نظم عمومی و ارزشهای حاکم بر جامعه، عنوان مجرمانه یافته و مرتکب آن سزاوار کیفر شناخته می‌شود.

از مسئولیت کیفری تعاریف مختلفی شده است از جمله:

- مسئولیت جزایی الزام شخص است به پاسخ‌گویی در قبال تعرض به دیگران (شامبیاتی، ۱۳۸۸: ۲۲/۲).

- مسئولیت کیفری عبارت است از: الزام به دادن جواب از نتایج اعمال بزهکارانه و تحمل مجازاتی که از طرف قانون برای آن پیش‌بینی شده است (استفانی و لواسور و بولوک، ۱۳۸۳: ۴۸۳/۱).

- «التزام» یا «مجبور بودن» شخص نسبت به عمل پیامدهای جزایی رفتار مجرمانه خود، مسئولیت کیفری نامیده می‌شود (العوی، ۱۹۸۵: ۱۲).

- مسئولیت جزایی را التزام شخص مکلف به پاسخ‌گویی آثار و نتایج زیان‌بار فردی و اجتماعی جرمی که انجام داده نیز تعریف کرده‌اند (ولیدی، ۱۳۷۸: ۲۹۸).

باید توجه داشت که صرف ارتکاب جرم برای اعمال کیفر علیه مرتکب آن کافی نبوده؛ بلکه شخص باید شایستگی سرزنش و عقاب جامعه را داشته باشد و عمل او در نظر جامعه سرزنش‌پذیر باشد. در تشخیص اینکه شخص سزاوار تحمل کیفر است یا نه، به وضعیت روانی او در لحظه ارتکاب جرم توجه می‌شود؛ زیرا هر انسانی از لحاظ مادی قدرت لازم برای ایجاد نتیجه مجرمانه را داشته، حتی مجنون و کودک نیز قادرند مرتکب قتل یا سرقت و سایر عناوین مجرمانه گردند؛ با این وجود، امکان دارد قانون‌گذار به لحاظ فقدان رکن روانی (در مورد مجنون) یا عدم شمول قوانین جزایی (در مورد صغیر) عنوان مجرمانه آنها را به رسمیت نشناخته و به لحاظ اینکه فاقد اهمیت جنایی هستند آنها را دارای مسئولیت کیفری نداند (میرسعیدی، ۱۳۸۳: ۵۰/۱).

در پایان شایان ذکر است از آنجا که امروزه کالاهای صنعتی در حجم وسیع توسط کارخانه‌های صنعتی به عنوان اشخاص حقوقی تولید و روانه بازار می‌گردد و کارگران شاغل در آنها نیز صرفاً برنامه‌ها و طرحهای مدیران فنی ارشد خود را اجرا می‌نمایند، دو موضوع بسیار مهم مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و مسئولیت کیفری ناشی از عمل ارتكابی دیگران نیز باید مورد توجه و بررسی قرار گیرد که برای پرهیز از اطالۀ کلام به آنها اشاره نمی‌شود.

۱-۲. تولیدکننده

در کشور ما تعریف مشخصی از تولیدکننده وجود ندارد. در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان نیز قانون‌گذار صرفاً تولیدکنندگان را از عرضه‌کنندگان کالا و خدمات محسوب کرده و تعریفی از تولیدکننده ارائه نداده است.

در تعریف تولیدکننده می‌توان گفت: شخصی است که کالایی را از مواد اولیه خام یا از ترکیب چند کالای ساخته‌شده دیگر می‌سازد. می‌توان در تعریفی دیگر از تولیدکننده، وی را شخصی دانست که عملاً کالایی را ساخته و به بازار عرضه کرده است؛ این تعریف شامل سازنده‌ای که فقط بخشی از یک کالا را تولید کرده نیز می‌شود. معمولاً کشاورزان و تهیه‌کنندگان محصولات کشاورزی را تولیدکننده نمی‌نامند مگر آنکه بر روی محصولات کشاورزی عملیاتی انجام داده و به صورت فرآورده‌های خاص به بازار مصرف عرضه کرده باشند (جعفری‌تبار، ۱۳۷۵: ۴۹). ماده ۳ مصوبه شماره ۸۵/۷۳۴ به تاریخ ژوئیه ۱۹۸۵ جامعه اروپا تولیدکننده را چنین تعریف کرده است: «تولیدکننده عبارت است از سازنده کالای نهایی، تولیدکننده مواد اولیه یا سازنده بخشی از اجزای تشکیل‌دهنده کالا و هر شخصی که با درج نام، نشان تجاری یا سایر علامتهای اختصاصی بر کالا، خود را به عنوان تولیدکننده آن معرفی می‌کند» (منتقمی، ۱۳۸۵: ۳۸). تولیدکننده در قوانین کشورهای مختلف نیز تعریف شده است که به عنوان نمونه یک مورد ذکر می‌گردد:

قانون مسئولیت ناشی از عیب تولید مصوب ۱۵ دسامبر ۱۹۸۹ آلمان مقرر کرده است: «از نظر این قانون، تولیدکننده به کسی اطلاق می‌شود که محصول نهایی یا بخش

عمده و اساسی یا یک جزء تشکیل دهنده آن را ساخته است. علاوه بر آن، هر شخص دیگری که با استفاده از نصب نام خود یا علامت تجاری یا هرگونه علائم مشخصه دیگر، خود را به عنوان تولید کننده معرفی نماید، از نظر این قانون تولید کننده به حساب می آید. اشخاصی که دارای مشخصات زیر باشند نیز تولید کننده محسوب می شوند:

۱- کسی که در زمینه فعالیت تجاری خویش اقدام به وارد نمودن محصولی به منظور فروش، اجاره، اجاره به شرط تملیک یا هر شکل دیگر از توزیع در مناطق تحت شمول جامعه اقتصادی اروپا نماید.

۲- چنانچه سازنده محصول مشخص نباشد، هر شخصی که توزیع کننده آن محصول باشد به عنوان تولید کننده شناخته خواهد شد، مگر اینکه شخص اخیر (توزیع کننده) ظرف مهلت یک ماه از تاریخ دریافت درخواست جبران خسارت، تولید کننده یا عرضه کننده محصول مورد نظر را به زیان دیده معرفی نماید» (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۸۴).

ملاحظه می شود که اطلاق عنوان تولید کننده به بندهای ۱ و ۲ فقط برای حفظ حقوق مصرف کننده صورت گرفته است؛ زیرا در مفهوم اخص، تولید کننده به معنای سازنده کالای نهایی، تولید کننده ماده خام یا سازنده یک جزء تشکیل دهنده از کالا تلقی می گردد، ولی قانون گذار به منظور رعایت حقوق مصرف کننده، توزیع کننده کالا را نیز مادامی که ظرف یک ماه از تاریخ دریافت درخواست جبران خسارت، تولید کننده یا عرضه کننده محصول مورد نظر را به زیان دیده معرفی نکند به عنوان تولید کننده شناخته است. در قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان نیز قانون گذار به منظور حمایت از مصرف کننده، کلیه عرضه کنندگان کالا را در برابر مصرف کنندگان مسئول دانسته و عرضه کنندگان در این قانون، کلیه تولید کنندگان، وارد کنندگان، توزیع کنندگان، فروشندگان کالا و ارائه کنندگان خدمات... را شامل می شود.

۳-۱. محصول

در تعریف محصول می توان گفت: به هر آنچه که در نتیجه کار انسان حاصل شده و به دست می آید محصول می گویند. در ماده ۲ قانون آلمان، محصول به اموال منقولی گفته می شود که مستقلاً یا به صورت تابعی از مال غیر منقول مورد استفاده قرار گیرد

(همان: ۸۰). در قوانین دیگر نیز محصول شامل مال منقول دانسته شده، اعم از اینکه آن مال جزئی از مال منقول و غیر منقول دیگر باشد (همان: ۸۳). بدین ترتیب آجری که در ساختمان به کار رفته، محصول منقول است؛ هر چند به طور تبعی در ردیف اموال غیر منقول قرار گرفته است. در این قوانین، محصولات کشاورزی، دام‌پروری، زراعی، ماهیگیری و شکار از دایره شمول تعریف محصول استثنا شده و منظور از آن محصولات زراعی اولیه، محصولات خاک، دامداری و ماهیگیری است که مورد پردازش اولیه قرار گرفته و به طور مستقیم و ابتدا به ساکن تولید می‌شوند و مواردی را که اشخاص اقدام به بسته‌بندی و توزیع این محصولات با نام تجاری مخصوص می‌کنند شامل نمی‌شود. در مجموع، با در نظر گرفتن حقوق و مصالح مصرف‌کننده، در تعریفی موسّع می‌توان گفت محصول عبارت است از: «همه مصنوعات ساخت بشر و کالاهای صنعتی ساخته‌شده کارخانه‌ها و محصولات کشاورزی (البته آنهایی که با استفاده از عناوین و علائم تجاری بسته‌بندی شده و در سطح گسترده عرضه شده‌اند) و خدمات»^۱. در حقوق انگلستان نیز مطابق قانون حمایت از مصرف‌کننده مصوب ۱۹۸۷، محصول، هر نوع کالا از جمله اعیان، محصولات کشاورزی، کشتیها، هواپیماها و وسایل نقلیه را شامل می‌شود. با وجود این، قانون یادشده عیبهای محصولات شکار و کشاورزی را هرگاه آن محصول فرایند صنعتی را سپری نکرده باشد استثنا کرده است (Hunt, 2000: 204).

۱-۴. عیب

از آنجا که عیوب موجود در کالا موجب ایراد صدمه به مصرف‌کننده شده و تولیدکننده نیز به دلیل تولید کالای معیوب و از باب تسبیب مسئول خسارت وارده قلمداد می‌گردد و بنا به تصریح ماده ۱۸ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۸۸/۷/۱۵ در صورتی که کالا یا خدمات عرضه شده معیوب باشند و

۱. در ادبیات اقتصادی، به هر کارکرد یا پیشه‌ای که تقاضایی برای آن وجود داشته باشد خدمت می‌گویند. بنابراین تعمیر اتومبیل، لوله کشی، نظافت، توصیه‌های پزشکی و... که قابل برآورد به پول می‌باشند خدمت محسوب شده و ارائه‌کننده آن مطابق مقررات در برابر صدمات، جنایات و خسارات وارده مسئول است (امیدی و سعادت‌مندی، ۱۳۷۴: ۵۰).

به واسطه آن عیب، خساراتی به مصرف‌کننده وارد گردد، متخلف، به پرداخت جزای نقدی محکوم خواهد شد. ارائه تعریفی مختصر از مفهوم عیب ضروری به نظر می‌رسد. با بررسی آرای فقها در این باره به دست می‌آید که عیب نقصی است که از ارزش کالا یا انتفاع متعارف آن بکاهد. قانون مدنی از عیب تعریفی ارائه نکرده و به نظر عرف گذارده، چنانچه در ماده ۴۲۶ مقرر داشته «تشخیص عیب بر حسب عرف و عادت می‌باشد و بنابراین ممکن است بر حسب ازمنه و امکانه مختلف باشد؛ زیرا عرف در محلی ممکن است امری را عیب بدانند و در محل دیگر آن را عیب نشناسد و یا در زمانی عیب بشمارد و در زمان دیگر به آن ترتیب اثر ندهد.

از جمله مشهورترین تعاریفی که در متون فقهی از مفهوم عیب ارائه شده عبارت است از: «وهو کلّ ما زاد عن الخلقه الأصلية أو نقص، عیناً کالاصبع أو صفة کالحُمی ولو یوماً؛ یعنی عیب، هر چیزی است که نسبت به خلقت اصلی و اولی (که همان خلقت غالب افراد نوع است) فزونی یا کاستی داشته باشد، خواه عین باشد مانند انگشت زاید و یا صفت مانند تب اگرچه در یک روز» (شهید اول، ۱۳۸۷: ۲۵۲/۱).

درباره عیب تعاریف مختلفی ارائه شده و تقسیم‌بندیهای گوناگونی نیز از آن صورت گرفته که از جمله تقسیم آن به عیب پنهانی و آشکار و عیب موجود در مرحله طرح یا تولید یا تعلیم و... می‌باشد که بحث در مورد آنها موجب اطاله کلام می‌شود. در مجموع، به نظر می‌رسد اگر در تعریف عیب گفته شود: «نقصی است که از ارزش کالا یا انتفاع متعارف آن بکاهد» به همه موارد عیب دست یافته‌ایم (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۴۲).

باید توجه داشت که منظور، عیبهایی است که در کالا وجود دارد و در نهایت منجر به ایراد صدمه به مصرف‌کنندگان می‌گردد؛ بنابراین هدف از ارائه تعاریف گوناگون از عیب، دستیابی به ضابطه‌ای است که به دنبال آن بتوان کالایی را معیوب محسوب کرد. در بند ۴ ماده ۱ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵ در تعریف عیب آمده است: «منظور از عیب در این قانون، زیاده، نقیصه یا تغییر حالتی است که موجب کاهش ارزش اقتصادی کالا یا خدمات گردد».

بند الف ماده ۳ قانون مسئولیت ناشی از عیب تولید مصوب ۱۵ دسامبر ۱۹۸۹ آلمان، محصول را زمانی معیوب می‌داند که از آن درجه امنیت و سلامت که عرفاً با

توجه به اوضاع و احوال و شرایط، مورد انتظار است، برخوردار نباشد (همان: ۸۳). بند ۱ ماده ۱۸۶ قانون مدنی جدید هلند نیز که به مسئولیت ناشی از کالاهای معیوب پرداخته، کالا را هنگامی معیوب محسوب می‌کند که ایمنی‌ای را که شخص حق دارد انتظار داشته باشد فراهم نیاورد (همان: ۸۹). بنابراین کالای معیوب، کالایی است که به لحاظ نقص در طرح یا تولید یا معرفی نتواند امنیت و سلامتی را که عرفاً از یک کالا انتظار می‌رود برای مصرف‌کنندگان تأمین کند.

۲. سیر تاریخی مسئولیت تولیدکنندگان محصولات صنعتی

هرچند در منابع قدیمی مواردی را می‌توان یافت که در آن به مسئولیت صانع یا فروشنده به علت کوتاهی و تخلفات آنها در امر تولید یا فروش اشاره شده؛ اما بی‌گمان توجه به مسئولیت تولیدکنندگان محصولات صنعتی با این حجم گسترده، ضرورت جامعه کنونی بوده و بحثهایی پیرامون آن با شروع انقلاب صنعتی و پیدایش آثار زیان‌بار حاصل از تولیدات کارخانه‌ها مطرح شده است. اینکه در ابتدا، مبنای برخورد با تولیدکننده و فروشنده خطای چه قواعدی بوده و دولتها در دوره‌های مختلف با این قانون‌شکنی چگونه برخورد کرده‌اند می‌تواند رهگشای ما در طرح مباحث پیش رو باشد، ولی از آنجا که در ابتدا روابط تولیدکننده (فروشنده) با مصرف‌کننده (خریدار) در چارچوب قواعد مسئولیت مدنی قرار دارد، در دو مبحث جداگانه این سیر تاریخی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱. سیر تاریخی مسئولیت مدنی تولیدکنندگان محصولات صنعتی

اگر پیشینه مسئولیت تولیدکنندگان و افراد مرتبط با تولید (توزیع‌کنندگان، واسطه‌ها، فروشندگان کالا و...) بخواهد با دقت مورد بررسی قرار گیرد مسئولیت اولیه این افراد را باید در قواعد مسئولیت مدنی جستجو کرد. تاریخ نشان می‌دهد که در آغاز تحولات مسئولیت مدنی بیشتر تکیه بر جبران زیان بوده است، قانون‌گذاران سعی می‌کردند که زبانی را جبران‌نشده باقی نگذارند و رابطه مادری میان اعمال شخص و نتایج آن را کافی می‌دانستند. رفته‌رفته این فکر به وجود آمد که کسی را باید مسئول شناخت که از نظر

اخلاقی قابل سرزنش باشد. طبق این نظر، مسئولیت، مفهومی اخلاقی است، هر کس باید در گرو خطاهای خود باشد و به طور نوعی نمی‌توان در این باره داوری کرد. ولی در این مبنای نو تردید شده و دیری نپایید که برخی به نکوهش آن پرداختند، مبنای اخلاقی تازه‌ای به میدان آمد و این زمزمه قدیمی با انگیزه جدید دوباره آغاز شد که: «هر کس سود کاری را می‌برد، باید زیانهای آن را نیز تحمل کند». این فکر تازه نیز با گذشت زمان رونق پیشین را از دست داد و هرچند آثاری را از خود به جا نهاد ولی نتوانست نظریه مرسوم تقصیر را یکسره از میان بردارد و در برخورد اندیشه‌ها به جای اینکه پیروزی کامل یابد، خود نیز تعدیل شد. این تحول تاریخی، دورنمای روزی را نوید می‌دهد که دولت تضمین اجتماعی را خود به عهده بگیرد و با وضع مالیاتها و اخذ عوارض از همه مردم به تناسب در آمد یا خطری که می‌آفرینند مبلغی را برای جبران خسارت آنان بگیرد و به جای مؤسسات بیمه کنونی عهده‌دار جبران زیانهایی شود که در نتیجه زندگی اجتماعی به بار می‌آید (همان، ۱۳۸۶: ۱۸۰). آخرین مرحله از این تحولات مسئولیت محض که اصطلاحاً «مسئولیت ناشی از کالا» نامیده می‌شود برای شناسایی و بیان مواردی استفاده می‌شود که در آنها شخص یا مالی به طریقی به واسطه کالای معیوب یا خدمات نامناسب آسیب یا خسارتی می‌بیند. مفهوم اصطلاح مذکور این است که هرگاه مصرف‌کننده با مصرف کالایی آسیب ببیند، سازنده کالا یا عرضه‌کننده آن و یا سایر اشخاص مرتبط با امر تولید به طور مطلق ملزم به جبران خسارت خواهند بود؛ زیرا در این نوع مسئولیت، برای مسئول دانستن آنها اثبات تقصیر ضرورت ندارد؛ بلکه تحقق یافتن دو شرط برای مسئول تلقی شدن لازم است: وجود عیب در کالای مورد نظر در زمان تحویل آن و سبب نزدیک تلقی شدن عیب موجود در وارد آمدن خسارت (منتقمی، ۱۳۸۵: ۱۳). به بیان دیگر، عیب موجود در کالا سبب وقوع حادثه و ایراد خسارت شده باشد.^۱

۱. باید افزود که در آخرین مرحله تحول، برخی از دادگاههای آمریکایی با نقض قواعد مربوط به «مسئولیت محض» چهره‌ای از مسئولیت مطلق یا مسئولیت بی‌عیب تولیدکننده را پذیرفته‌اند؛ بدین معنا که تولیدکننده صرف نظر از وجود یا عدم وجود عیب هنگام طراحی کالا مسئول خسارت ناشی از مصرف آن است (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۲۴).

۲-۲. سیر تاریخی مسئولیت کیفری تولیدکنندگان محصولات صنعتی

در دوران گذشته، تکالیف و وظایفی که برای تولیدکننده در نظر گرفته شده بود فاقد جنبه کیفری و بیشتر به منظور پیشگیری از ورود خسارت و به لحاظ حفظ حقوق مصرف‌کننده این تکالیف بر تولیدکننده بار شده بود. به عنوان نمونه: «ژوستی نین» در الواح دوازده گانه خود، برای مصرف‌کنندگان حق برخورداری از اطلاعات و ایمنی قائل بود که در این صورت، چون کیفیت کالا برای مصرف‌کنندگان کاملاً آشکار بود، معمولاً تولیدکننده در مقابل حوادث ناشی از آن مسئولیتی نداشت؛ مگر در موارد غش و تقلب در موضوع معاملات که نسبت به این موارد حکمرانان در ساخت و توزیع آنها حساسیت نشان می‌دادند؛ یا به موجب قوانین دیگری در قرون وسطی پیشروان و تولیدکنندگان مواد غذایی می‌بایستی در انظار عمومی به تولید بپردازند تا مصرف‌کنندگان از سلامت تولیدات اطمینان داشته باشند (امیدی و سعادت‌مندی، ۱۳۷۴: ۱۰).

حقیقت این است که در دوران گذشته، برای برخورد با تولیدکننده خاطی و جبران زیانهای وارده به مصرف‌کننده کالای معیوب از قواعد مسئولیت مدنی استفاده می‌شده و تعیین مجازات برای تولیدکننده قانون‌شکن و متخلف و برخورد کیفری با او به طور موردی و آن هم بر اساس فرامین پادشاهی صورت می‌گرفت؛ ولی پیدایش انقلاب صنعتی و ورود حجم وسیع از محصولات به بازارها و پیامدهای ناگوار ناشی از مصرف آنها حکومتها را به این فکر واداشت که برای پیشگیری از تولید کالای معیوب و زیان‌آور و مقابله با تولیدکنندگان این گونه کالاها به تصویب ضمانت‌اجراهای کیفری اقدام کنند.

از آنجا که مصرف‌کنندگان مواد خوراکی، دارویی و بهداشتی افراد زیادی از جامعه بوده و عدم رعایت موازین فنی در تولید آنها ممکن است آثار زیان‌باری را در سطح وسیعی از جامعه ایجاد نماید، ابتدا در بیشتر کشورها قانون‌گذاران به تصویب مقررات کیفری به منظور برخورد با تولیدکنندگان متخلف این مواد اقدام کردند. در ایران نیز قدیمی‌ترین واکنش جدی در برابر تولیدکننده که جنبه کیفری داشت قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی

مصوب ۱۳۳۴/۳/۲۹ و اصلاحات بعدی آن و قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحات سال ۱۳۵۳، نمونه‌های آشکار استفاده از ابزار کیفری در حمایت از امنیت و سلامت مصرف‌کننده بود (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۳۰). پس از انقلاب نیز قانون‌گذار با وضع قوانین مختلف (که اشاره خواهد شد) مسئولیت کیفری تولیدکنندگان را مورد توجه قرار داد. قانون‌گذار ایران در آخرین اقدام، قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان را به تصویب رسانده است.

۳. مبانی فقهی مسئولیت کیفری تولیدکنندگان

نیرو و جاذبه پنهانی‌ای که پشتیبان قانون است و انسان را به اجرای قواعد آن وادار می‌سازد مبنای حقوق می‌نامند (همو، ۱۳۷۷: ۱۹). صرف نظر از بحث‌های نظری که آیا مبنای اصلی حقوق، عدالت است یا قدرت حکومت، باید گفت اگر بخواهیم مردم به اوامر و نواهی قانون‌گذار با رضایت قلبی گردن نهاده و قوانین را بپذیرند باید قوانینی وضع نماییم که دارای مبانی و پشتوانه‌های قوی بوده و با نظام عقیدتی مردم سازگار باشد. در کشور ما نیز برای تحقق این مهم می‌توان از روایات و قواعد اسلامی برای مبناسازی استفاده نمود. اگر در کتب و منابع فقهی به دنبال آن باشیم که بحثی پیرامون مسئولیت کیفری تولیدکنندگان محصولات صنعتی پیدا نموده و به متون و روایاتی دست یابیم که در این زمینه دارای حکمی باشند؛ به این نتیجه می‌رسیم که منبع خاص و مطلب صریحی در این خصوص وجود ندارد. البته در منابع فقهی مواردی وجود دارد که به ضمانت افراد در قبال خسارات ناشی از اعمال آنها اشاره شده است. به عنوان نمونه: در شرح لمعه در باب ضمان مریب شنای طفل آمده است: *و یؤیده ما روی من ضمان الصانع وإن اجتهد وفي القواعد علل الضمان بالتفریط ومقتضاه أنه لو لم یفرط فلا ضمان؛ روایتی که وارد شده صانع علی‌رغم تلاش و کوشش ضامن است، مؤید آن است (ضمان مریب شنای کودک) و در قواعد علت ضمان، تفریط وی بیان شده و مقتضای این امر آن است که اگر او تفریط نکرده باشد ضامن نیست (شیروانی، ۱۳۸۶: ۱۴/۱۷۸).*

مبنای روایی بحث بالا به نقل از صاحب شرح لمعه حدیثی از امام صادق علیه السلام

است که فرموده‌اند:

كُلُّ أَجِيرٍ يُعْطَى الْأَجْرَةَ عَلَى أَنْ يُصْلِحَ فَيُفْسِدَ فَهُوَ ضَامِنٌ؛ هر اجیری که به او اجرت داده می‌شود تا عملی را به درستی انجام دهد، اگر کار را درست انجام ندهد ضامن است (حرّ عاملی، بی تا: ۲۷۱/۱۳).

در این حدیث، افراد نسبت به اموری که به آنها واگذار شده مسئول تلقی گردیده و موظف به حُسن انجام کار هستند و در مقابل انجام ناصحیح امور می‌توان آنها را مورد مؤاخذه و بازخواست قرار داد.

علاوه بر این می‌توان از قاعده «التعزیر لکلّ عمل حرام» برای وضع قواعد و ضمانت اجراهای کیفی مناسب برای مقابله با تولیدکنندگان کالای معیوب، آنگاه که عمل آنها از مصادیق فعل حرام می‌باشد، استفاده نمود. طبق این قاعده، حاکم می‌تواند مرتکب هر فعل حرامی را به میزان مصلحت تعزیر نماید:
من فعل محرّمًا أو ترك واجبًا إلهيًا عالمًا عامدًا عزّره الحاکم حسب ما یراه من المصلحة (خویی، ۱۴۲۸: ۴۰۷/۴۱).

هرچند بحثهای گوناگونی در مورد پذیرش یا عدم پذیرش این قاعده به طور مطلق و تعارض آن با اصل قانونی بودن جرم و مجازات و نیز معنا و مفهوم فعل حرام مطرح گردیده، ولی به طور کلی باید توجه داشت که این قاعده از اهمیت به سزایی در فقه جزایی برخوردار است؛ زیرا مبنای مشروعیت بسیاری از قوانین جزایی و نیز اسلامی بودن آنها، همین قاعده است. بسیاری از اعمالی که در قوانین موضوعه فعلی، به ویژه بخش تعزیرات، جرم‌انگاری شده و برای آنها مجازات تعیین گردیده، مستند و دلیل خاصی برای آنها در شرع مقدس اسلام وارد نشده است. با وجود این، شورای نگهبان این قوانین را مخالف شرع تشخیص نداده؛ چون این اعمال همگی «حرام» محسوب می‌شوند و هر عمل حرامی قابل تعزیر است (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۷: ۲۹۲). بعضی از حقوق‌دانان نیز در تأیید این قاعده، تعیین مجازات توسط دولت را برای هر عملی که مفسده بوده و پیامد منفی داشته باشد مجاز دانسته و معتقدند: از آنجا که شریعت اسلام برای حفظ نظام اهتمام زیادی قائل است و هر آنچه را که موجب نزاع، مخاصمه، هتک اعراض و آبرو و ریختن خون انسانهای بی‌گناه

می‌شود، ممنوع اعلام می‌دارد؛ زیرا در برابر این امر مهم وظیفه سنگینی بر عهده دارد. از این رو، با توجه به اینکه اجرای حدود و تعزیرات در موارد منصوصه برای این مقصود کفایت نمی‌کند، باید این اختیار برای حکومت اسلامی وجود داشته باشد که هر عملی را که مفسده و پیامد سوء داشته، به درجه‌ای که امنیت اجتماعی و حقوق عامه و مصالح جامعه را به خطر بیندازد و موجب تجرّی مردم بر ارتکاب معاصی شود، ممنوع اعلام نموده و برای ارتکاب آن مجازات خاصی مقرر نماید (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۲۴۶/۴). بنابراین هرچند بررسی کاربرد این قاعده در جرم‌انگاری برای افعال حرامی که در شرع مجازات خاصی برای آن در نظر گرفته نشده، خود می‌تواند موضوع تحقیق جداگانه‌ای قرار گیرد، ولی به اجمال می‌توان گفت در موضوع بحث ما این قاعده نیز می‌تواند مبنای مناسبی برای تعیین مجازات در مورد تولیدکننده کالای معیوب محسوب گردد؛ زیرا در اسلام تقلب و خرید و فروش کالاهایی که به جان یا جسم اجتماع (مردم) ضررهای مهم و قابل ملاحظه‌ای وارد کند حرام دانسته شده است (هاشمی‌نژاد، بی‌تا: ۱۵۸). ایراد ضرر جسمانی به دیگران نیز از مصادیق بارز فعل حرام است که یکی از پیامدهای استفاده از کالاهای معیوب می‌تواند باشد. در پایان یادآوری این نکته ضروری است که در کلام وحی کسب مال و ثروت از طریق نامشروع مورد نهی قرار گرفته و در آیات ۱۸۸ سوره بقره و ۲۹ سوره نساء دستور داده شده است: ﴿لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ...﴾ بی‌تردید، تولید کالاهای معیوب یا تقلب در امر تولید یا عرضه کالاها و کسب منفعت از این شیوه، یکی از زمینه‌های نامشروع کسب درآمد بوده که با عنایت به نهی خداوند، حرام تلقی می‌گردد.

۱-۳. برخی از مصادیق مسئولیت جزایی در فقه

در فقه اسلامی انجام بعضی امور هنگام معامله، مذموم و حرام شمرده شده است که می‌تواند در این بحث برای برخورد با تولیدکننده خاطی و سایر افراد مرتبط با تولید مانند: توزیع کنندگان، فروشندگان و... مورد استفاده قرار گیرد، از آن جمله عبارتند از:

۱-۳-۱. نجش

واژه نجش به فتح نون و سکون یا فتح جیم در لغت به معنای پراکندن سخن، بحث

کردن از چیزی و جمع کردن است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۴/۲۳۳۴۹).

نجش با نون مفتوحه و جیم ساکنه یا جیم مفتوحه به خاطر حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله که ضعف سند آن با اجماع منقول جبران شده است - چنانچه در جامع المقاصد نیز آمده - حرام است؛ چون حدیث به لعن ناجش و منجوش له دلالت دارد. در حدیث دیگری پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «با یکدیگر نجش نکنید». عقل نیز بر قبیح بودن این عمل گواهی می‌دهد چون غش و تلیس و اضرار است. نجش چنانچه از عده‌ای از فقها نقل شده به این معناست که شخصی بر قیمت کالایی که نمی‌خواهد آن را بخرد بیفزاید تا این قیمت زیادی را به گوش دیگری برساند تا او نیز کالا را به قیمت بیشتری بخرد، به شرط اینکه بین مرتکب این عمل و بایع تبانی شده باشد یا اینکه اصلاً تبانی نشده باشد، همچنان که برخی از فقها این گونه حکم نموده و نجش را این طور معنا کرده‌اند: «شخصی کالای دیگری را بستاند تا آن را رواج دهد به شرطی که بین او و بایع تبانی باشد یا اینکه تبانی هم نباشد». حرمت نجش با عنایت به تفسیر دوم، خصوصاً در صورتی که بین ناجش و بایع تبانی نباشد نیازمند دلیل است و در این صورت عده‌ای از فقها قائل به کراهت شده‌اند (انصاری، ۱۳۸۳: ۱۶۴/۱).

۳-۱-۲. غش

واژه غش به معنای ظاهر کردن خلاف آنچه در دل باشد، خدعه کردن و گول زدن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۱/۱۶۷۳۰).

غش حرام بوده و در این باره اختلافی نیست. روایات متواتری درباره حرمت آن وجود دارد. از جمله از پیامبر صلی الله علیه و آله با سندهای متعدد نقل شده است: «در زمره مسلمانان نیست هر کس با مسلمانی غش کند». ظاهر اخبار این است که غش در صورتی است که آن چیز مغشوش، مخفی بماند مانند آمیختن آب با شیر و مخلوط کردن مرغوب با نامرغوب در چیزهایی مانند روغن یا قرار دادن حریر در جای سرد تا وزن بیشتری بگیرد، اما اگر امتزاج و مخلوط کردن به گونه‌ای باشد که مخفی نماند حرام نیست؛ چون غش از آن منصرف است. و به مواردی که امتزاج و مخلوط کردن طوری باشد که آشکار گردد غش اطلاق نمی‌گردد (انصاری، ۱۳۸۳: ۱۰۲/۱).

۲-۳. قواعد فقهی

۱-۲-۳. قاعده لاضرر

قاعده لاضرر به عنوان یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی می‌تواند بیشترین کاربرد را در این بحث داشته باشد؛ چون طبق این قاعده، مردم از ضرر رساندن به همدیگر منع شده و در صورت ایراد خسارت، ملزم به جبران آن هستند.

طبق این قاعده، هرگاه کسی ضرری به دیگری وارد کند باید از عهده جبران آن برآید. بین فقها درباره مفاد این قاعده اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای عقیده دارند: حکم ضرری در اسلام وجود ندارد لذا هرگاه وجوب حکمی در اسلام سبب ورود ضرر گردد آن وجوب برداشته می‌شود، در مقابل، برخی نیز معتقدند موضوع ضرری در اسلام موجود نیست (محقق داماد، ۱۳۸۵: ۱۳۷/۱). قاعده «لاضرر و لااضرار» که یکی از پرکاربردترین قواعد فقهی است متضمن ضرورت تدارک زیان است؛ چه این زیان ناشی از عدم اجرای قرارداد باشد و چه ناشی از ضمانات قهری. وقتی کسی از کالایی آسیب دید تفاوتی نمی‌کند که قراردادی موجود باشد یا نباشد (جعفری‌تبار، ۱۳۷۵: ۵۹).

صرف نظر از مباحث نظری یادشده در مورد این قاعده، می‌توان گفت: طبق این قاعده، ضرر زدن به دیگران مشروعیت ندارد و هرگاه عمل شخصی منشأ ایراد خسارت به دیگران گردد آن شخص باید از عهده جبران خسارت برآید. بنابراین تولیدکننده‌ی خاطی نیز که کالای معیوب او باعث ایراد خسارت به مشتری گردیده، ملزم به جبران خسارت است.

۲-۲-۳. قاعده غرور

مطابق این قاعده هرگاه شخصی کاری انجام دهد که باعث فریب خوردن شخص دیگر شده، و از این رهگذر، ضرر و زبانی متوجه او گردد، شخص نخست به موجب این قاعده ضامن است و باید از عهده خسارت وارده برآید. شخص اول را «غار» (فریب‌دهنده) و شخص دوم را «مغرور» (فریب‌خورده) و این قاعده را «قاعده غرور» گویند؛ طبق این تعریف، لازم نیست شخص اول قصد نیرنگ و خدعه داشته باشد و حتی ممکن است خودش هم از دیگری فریب خورده باشد، بلکه همین مقدار که او

کاری انجام دهد که دیگری با توجه به آن فریب بخورد، برای صدق غرور کافی است (محقق داماد، ۱۳۸۵: ۱۶۳/۱). برابر این قاعده اگر عمل تولیدکننده و سایر عوامل مرتبط با تولید از جمله عرضه کنندگان و واسطه‌ها موجب اغفال و فریب مشتری شده و مصرف‌کننده در انتخاب کالای مورد نظر خود مغرور (فریب‌خورده) گردد می‌تواند برای جبران خسارت، حسب مورد به شخصی که موجب این امر شده مراجعه نماید. همان طور که در ابتدای این مبحث اشاره شد هرچند این قاعده و به طور کلی قواعد مورد بحث، اصولاً مسئولیت مدنی تولیدکنندگان را اثبات می‌نمایند؛ ولی آنجا که حفظ نظم عمومی و حساسیت موضوع، دخالت قانون‌گذار کیفری در امور مدنی را ایجاب می‌نماید، این قواعد می‌تواند به عنوان یکی از مبانی و دلایل برخورد کیفری با تولیدکننده‌ی خاطی قلمداد گردد. از طرفی هرچند برای احراز مسئولیت (غار) به منظور جبران خسارت احراز آگاهی او شرط نیست و به طور مطلق مسئول می‌باشد ولی در مواردی که (غار) با علم و آگاهی به قصد نیرنگ و خدعه اعمالی انجام می‌دهد که موجب فریب (مغرور) شده و در نهایت زیانی به او وارد می‌نماید با توجه به علم و عمد (غار) می‌توان عمل او را در مواردی سزاوار مجازات دانست.

۳-۲-۳. قاعده من له الغنم فعليه الغرم

طبق این قاعده هر کس که سودی از کاری عاید او می‌شود غرامت آن کار هم با اوست. مسئولیت ناشی از این قاعده، کاملاً اخلاقی است و بر خلاف آنچه تصور شده، مسئولیت اخلاقی در اینجا نیاز به وجود تقصیر ندارد. عدالت اجتماعی اقتضا می‌کند که ثروتمندان به همان میزان که سرمایه کسب می‌کنند عهده‌دار ضررهای عمل خویش نیز باشند هرچند که هیچ تقصیری نکرده باشند (جعفری‌تبار، ۱۳۷۵: ۷۱).

می‌توان گفت: این قاعده، رابطه تنگاتنگی با مسئولیت تولیدکنندگان دارد. یعنی چنانچه کسی از سود و انتفاع بیشتری برخوردار است و جامعه وسایل و ابزار بیشتری در اختیار او قرار داده، اگر در استفاده از این ابزار، اعمالی را مرتکب شود که باعث خسارت و ضرر به دیگران گردد، باید ضرر و زیان ناشی از عمل خود را جبران نماید و چنانچه عمل او دارای عنوان مجرمانه باشد مجازات آن را هم باید تحمل

کند. شرکتهای بزرگ که امروزه در قالب اشخاص حقوقی در حجم وسیع به فعالیتهای اقتصادی از جمله تولید کالا می‌پردازند مطابق این قاعده در برابر ضررهای ناشی از محصولات خود مسئول بوده و حتی بدون نیاز به احراز تقصیر صرفاً به لحاظ محیط سودآوری که ایجاد کرده‌اند ملزم به پاسخ‌گویی (به صورت جبران خسارت یا تحمّل مجازات) می‌باشند.

شایان ذکر است مسئولیت مدیران شرکتهای تولیدی در برابر تخلفات کارگران که با تولید کالای معیوب سبب ایراد خسارت به مصرف‌کننده می‌شوند در چارچوب این قاعده قابل بررسی می‌باشد.

۳-۲-۴. قاعدهٔ تسبیب

در تسبیب، شخص به طور مستقیم مباشر تلف کردن مال و ورود خسارت به دیگران نیست، بلکه مقدمات تلف را فراهم می‌کند یعنی کاری انجام می‌دهد که در نتیجهٔ آن، تلف واقع می‌شود. مانند اینکه پوست موزی را در پیاده‌رو می‌اندازد و شخصی بر روی آن قدم می‌گذارد و آسیب می‌بیند.

هرچند لزوم تقصیر در هیچ یک از مواد قانونی به صراحت ذکر نشده، ولی مستنبط از مواد قانونی این است که در تسبیب، وجود تقصیر، شرط ایجاد مسئولیت است (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۲۹-۳۰).

در تسبیب، متضرر (خریدار) باید تقصیر فروشنده را ثابت نماید و علاوه بر آن، باید ثابت کند بین تقصیر فروشنده و ضرر وارده به او، رابطهٔ سببیت وجود داشته و دلیل ورود ضرر تقصیر فروشنده می‌باشد، تا مسئولیت فروشنده محقق گردد که اثبات این امر توسط مصرف‌کننده با توجه به نابرابری عرضه‌کنندگان کالا و خدمات^۱ و مصرف‌کنندگان امری دشوار و در بسیاری موارد ناممکن است. لذا بسیاری از زیانهای

۱. از عرضه‌کنندگان کالا و خدمات در اینجا به معنایی که در بند ۲ ماده ۱ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۸۸/۷/۱۵ آمده، یاد شده است. یعنی کلیهٔ تولیدکنندگان، واردکنندگان، توزیع‌کنندگان، فروشندگان کالا و ارائه‌کنندگان خدمات اعم از فنی و حرفه‌ای و همچنین کلیهٔ دستگاهها، مؤسسات و شرکتهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است و به طور مستقیم یا غیر مستقیم به صورت کلی یا جزئی کالا یا خدمات به مصرف‌کننده ارائه می‌نمایند.

وارده به مصرف کننده جبران نشده باقی می ماند. در کتب فقهی، در بحث «موجبات ضمان» مباحث مربوط به تسبیب مطرح شده و موجبات ضمان (اعم از مسئولیت کیفری و مدنی) تحت دو عنوان مباشرت و تسبیب مورد بررسی قرار می گیرد. در بررسی مصادیق موجبات ضمان به تسبیب، یکی از مواردی که می تواند در بحث ما مورد استفاده قرار گیرد و در کتب فقهی نیز به آن اشاره شده است «مسئولیت تعمیر کننده کشتی» می باشد که عین عبارت صاحب جواهر در این مورد نقل می گردد:

لو أصلح سفينة وهي سائرة مثلاً أو أبدل لوحاً منها فغرقت بفعله مثل أن سمّر مسماراً فقلع لوحاً أو أراد ردم موضع أي سدّ فرجته فانهتك فهو ضامن في ماله ما يتلف من مال أو نفس بلا خلاف أجده في الثاني لأنه شبيه عمد باعتبار قصد الفعل دون القتل، بل والأول مع فرض التفريط، بل ومع عدمه مع فرض استناد التلف إليه، وإن قال في المسالك: «هو مبني على ضمان الصانع وإن اجتهد وقد تقدم» وربما فصل بين ما أوجب عليه أو كان لمصلحتهم خاصة فلا ضمان وإلا ضمن، كان لمصلحة أو بأجرة ونحوها وهو كما ترى... (نجفی، ۱۹۸۱: ۱۱۳/۴۳).

ملاحظه می شود طبق عبارت فوق شخصی که کشتی در حال سیر را تعمیر می کند و مثلاً با برداشتن میخی موجب شود تخته ای جدا گردد یا بخواهد جلوی روزنه ای را که آب از آن می آید ببندد ولی با کارش باعث ایجاد شکاف بیشتر شود و با این عمل سبب غرق شدن کشتی شود، ضامن جان یا مال دیگران خواهد بود. در ضمان تعمیر کننده ای که با قصد ایراد خسارت، اقدام به سوراخ کردن کشتی می نماید و یا در انجام مرتکب تفريط (تقصیر) می شود تردید و اختلافی وجود ندارد و حتی بنا به قولی صرف استناد تلف به عمل تعمیر کننده برای مسئول دانستن او کافی است؛ چرا که فرض بر ضمان صانع است حتی اگر تمام تلاش خود را به کار برده باشد.

هدف از ذکر این مطلب، بررسی و تشریح موارد اختلافی نیست؛ بلکه توجه به این نکته است که تعمیر کننده کشتی در کلام فقها موضوعیت نداشته و حکم مذکور را می توان به همه سازندگان کالا تسری داد و در صورتی که تولید عمده یا توأم با تقصیر کالای معیوب توسط آنها سبب ورود خسارت جانی گردد آنها را مسئول (حسب مورد سزاوار قصاص یا پرداخت دیه) تلقی نمود.

۴. منابع قانونی مسئولیت کیفری تولیدکنندگان

۴-۱. مقررات عام

تا قبل از قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو که تحت تأثیر فضای حاکم بر کشور و به دلیل آتش‌سوزیهای خودروی پژو ۴۰۵ تولیدی شرکت ایران خودرو، در تاریخ ۱۳۸۶/۳/۲۳ توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید، قانونی که به‌طور خاص به مسئولیت تولیدکنندگان کالاهای صنعتی بپردازد، در نظام تقنینی ایران وجود نداشت.^۱ در این دوران علاوه بر قوانین خاصی که می‌توانست مورد استفاده قرار گیرد و در مبحث بعدی به آنها اشاره خواهد شد به منظور برخورد کیفری با تولیدکننده‌ی خاطی باید از قواعد مربوط به تسبیب استفاده می‌گردید؛ چون تولیدکننده و سازنده کالا، مباشر ایراد صدمه به مصرف‌کننده نیستند، بلکه مقدمات حوادث زیان‌آور را فراهم می‌آورند و با تولید کالای معیوب، سبب ورود خسارت به مصرف‌کنندگان می‌گردند.^۲ شایان ذکر است وقتی تولیدکننده را به عنوان مسبب ورود خسارت و به دنبال آن دارای مسئولیت کیفری قلمداد می‌کنیم به مواردی توجه داریم که کالای معیوب تولیدی سبب ورود خسارت بدنی به مصرف‌کننده شده و تولیدکننده به این دلیل و از باب تسبیب مسئول پرداخت دیه می‌باشد؛ لذا تنها زمانی که دیه را مجازات بدانیم، می‌توانیم الزام تولیدکننده را به جبران خسارت بدنی وارده به مصرف‌کننده در قالب پرداخت دیه، نوعی مسئولیت کیفری بدانیم. از طرفی، هرگاه بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت و یا عدم رعایت نظامات توسط تولیدکننده منجر به تولید کالای معیوب گردد که استفاده از آن مرگ

۱. شایان ذکر است که بحث تصویب لایحه‌ای تحت عنوان لایحه حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان از سالها قبل در مجلس شورای اسلامی مطرح بود و پیش‌نویس اولیه این لایحه که از سوی سازمان برنامه و بودجه تهیه شده بود پس از تقدیم به مجلس به کمیسیون امور بازرگانی و توزیع مجلس شورای اسلامی ارجاع شد و پس از مباحثات و بررسیهای لازم و اصلاحات صورت گرفته، کلیات لایحه در جلسه علنی ۱۳۷۲/۱۱/۲۴ به تصویب رسید (برای اطلاع بیشتر ر.ک: منتقمی، ۱۳۸۵: ۸۵).
۲. قاعده تسبیب به عنوان یکی از قواعد فقهی در مبحث مبانی مورد اشاره قرار گرفت و از آنجا که این قاعده، جامعه قانون نیز به خود پوشیده و ضمانت اجرای قانونی یافته در این قسمت نیز مجدداً به عنوان منابع مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مصرف کننده را به دنبال داشته باشد، مسئولیت کیفری تولید کننده را در چارچوب ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی می توان مورد بررسی قرار داد.

در مبحث مربوط به تسبیب، باید توجه داشت هرگاه سبب با قصد ایراد خسارت جانی و مالی اقدام کند نسبت به نتایج ناشی از کار خود مسئول است چه تعدی و تفریط (تقصیر) در کار باشد یا نه، و اگر سبب، قصد ایراد خسارت جانی و مالی را نداشته باشد اینک ضامن او مشروط به تقصیر باشد امری مورد اختلاف است. از آنجا که فرض بر این است که تولید کننده با قصد ایراد خسارت اقدام به تولید کالای معیوب نمی نماید بررسی این موضوع خالی از فایده نخواهد بود. توجه به موادی همچون ۳۴۷، ۳۵۰، ۳۵۲ و ۳۵۳ قانون مجازات اسلامی که ضامن را نفیاً و اثباتاً دایرمدار تقصیر گرفته اند، نشان می دهد که از دیدگاه قانون گذار در خسارت ناشی از تسبیب، تقصیر شرط است. البته از دیدگاه برخی از فقها، ضامن دایرمدار استناد فعل به فاعل است خواه تقصیری صورت گرفته باشد یا نه. بنابراین نمی توان به عنوان قاعده ای کلی مدعی شد تقصیر در حوادث ناشی از تسبیب شرط ضامن است یا نه (قیاسی، ۱۳۷۵: ۱۱۵).

شرط ضامن در تسبیب، عدوانی بودن سبب است و سبب در صورتی مسئول جنایت قلمداد می گردد که غیر شرعی و غیر قانونی بوده یا از نظر عرف و عادت فعل وی یک اقدام عدوانی قلمداد گردد، هر چند از نظر شرع حرام نباشد (صادقی، ۱۳۷۸: ۸۰). تحقق تعدی و تفریط، منوط به وجود قصد تجاوز از حد مجاز و متعارف و التفات جانی بر آثار فعل خود نبوده و کافی است اعمال ارتكابی جانی بدون علم یا ظن به تأثیر آن در معرض این باشد که جنایت بر آن مترتب شود (همان: ۸۲). رابطه سببیت نیاز به ارتكاب فعلی دارد که طبق حقوق کیفری، غیر قانونی است. نیاز به ویژگی نامشروع بودن به این دلیل است که رابطه سببیت به این اعتبار که شرط مسئولیت کیفری است تا هنگامی که فعل، نامشروع نباشد نمی تواند مطرح شود؛ چون فعل مشروع مسئولیتی به همراه ندارد (نجیب حسنی، ۱۳۸۵: ۵۵).

در مجموع می توان گفت: در صورتی می توان از مباحث سببیت در اثبات مسئولیت تولید کننده استفاده نمود که اولاً تقصیر تولید کننده ثابت شود و ثانیاً رابطه استناد بین تقصیر و زیان ناشی از آن نیز به اثبات برسد، بدین معنا که دلیل ورود

خسارت به مصرف کننده تقصیر تولید کننده در تولید کالای معیوب می باشد.

۲-۴. مقررات خاص

در این قسمت به قوانینی اشاره می گردد که به طور خاص به تخلفات عرضه کنندگان کالا و خدمات (اعم از تولید کنندگان، وارد کنندگان، توزیع کنندگان و فروشندگان کالا و...) پرداخته و ضمانت اجرایی را برای آنها در نظر گرفته است.

۱-۲-۴. مقررات راجع به تقلب در مواد غذایی، آرایشی، بهداشتی و دارویی

الف- اولین قانونی که در این زمینه قابل ذکر است قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوراکی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴/۳/۲۹ می باشد؛ این قانون مشتمل بر ۲۵ ماده بوده و در تاریخ ۱۳۶۷/۱/۲۳ اصلاح شده و در آن برای تولید کنندگان و عرضه کنندگان و... داروهای تقلبی مجازاتهایی مقرر شده است.

ب- قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶/۴/۲۲.

ج- قانون نظام صنفی مصوب ۸۲/۱۲/۲۴ که در فصل هشتم آن تحت عنوان تخلفات و جریمه ها به جرایمی از قبیل گران فروشی، کم فروشی، تقلب و... اشاره شده است.

د- قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام که دارای ۵۶ ماده است. در این قانون نیز تخلفاتی همچون گران فروشی، کم فروشی و تقلب، احتکار، عرضه خارج از شبکه، عدم درج قیمت و... تعریف شده و مجازات آنها نیز مقرر شده است.

ه- قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام که مشتمل بر ۴ فصل و ۴۴ ماده می باشد. در فصل سوم این قانون برای تولید مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی ضوابطی در نظر گرفته شده و تولید کننده را در صورت تخطی از ضوابط، دارای مسئولیت کیفری دانسته است.

۲-۲-۴. قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات

صنعتی ایران

این قانون که دارای ۳۰ ماده است در سال ۱۳۷۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی

رسید و جایگزین قوانین مصوب ۱۳۴۹ گردید. همان طور که در ماده ۱ این قانون آمده، مهم‌ترین وظیفه آن، تعیین و نشر استانداردهای ملی به عنوان استاندارد رسمی و نظارت بر اجرای استانداردهای اجباری توسط مؤسسه استاندارد به منظور حفظ و ارتقای سطح کیفی تولیدات و ایمنی و پیشگیری از وقوع جرم علیه مصرف‌کنندگان و جبران ضررهای وارده است. ضمانت‌اجراهای مقرر در این قانون، به دو صورت می‌باشد: ۱. ضمانت‌اجراهایی که با ذکر مجازاتها یا اقدامات محدودکننده، بدون اینکه وقوع جرایم موجب آنها مقید به صدمه یا خسارت علیه کسی باشد و صرفاً نظر به پیشگیری دارند مانند ماده ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۳ این قانون؛ ۲. ضمانت‌اجراهایی که مقید به نتیجه یا ضرر مادی به مصرف‌کننده است مانند ماده ۱۲.

۴-۲-۳. قانون تجارت الکترونیک

این قانون در تاریخ ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. قانون یادشده از جمله قوانینی است که در آن تکالیفی برای تولیدکننده پیش‌بینی شده و برای نقض حقوق مصرف‌کننده ضمانت اجرا تعیین گردیده است. به عنوان مثال در ماده ۳۳ عدم ارائه اطلاعات مؤثر از سوی تولیدکننده در راستای تصمیم‌گیری مصرف‌کنندگان جرم شناخته شده است.

۴-۲-۴. قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو

این قانون دارای ۱۱ ماده و ۸ تبصره است که در جلسه علنی ۱۳۸۶/۳/۲۳ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۶/۳/۳۰ به تأیید شورای نگهبان رسید. این قانون به دنبال مشکلات فنی‌ای که در تولید برخی از خودروها وجود داشت و باعث ایجاد خساراتی هم شده بود، به تصویب رسید. در قانون یادشده تکالیفی برای عرضه‌کننده خودرو پیش‌بینی شده و عرضه‌کننده طبق بند ۲ ماده ۱ اعم است از تولیدکننده یعنی شخص (حقیقی یا حقوقی) که خودروی تولیدی خود را مستقیم یا با واسطه به فروش می‌رساند و واردکننده خودرویی که اقدام به فروش آن می‌کند. هرچند متأسفانه این تکالیف، در حد ارائه خدمات پس از فروش (گارانتی) بوده و ضمانت‌اجراهای آن نیز صرفاً بایدها و نبایدهایی است که برای حمایت از حقوق مصرف‌کننده ناکافی است.

۴-۲-۵. قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان

این قانون، تنها قانونی است که به طور تخصصی به مسئولیت عرضه کنندگان کالا و خدمات از جمله تولید کنندگان پرداخته، پس از سالها بحث و گفتگو در جلسه علنی روز چهارشنبه ۱۳۸۸/۷/۱۵ مجلس شورای اسلامی تصویب شده و در تاریخ ۸۸/۸/۲۳ به تأیید شورای نگهبان رسید. این قانون که دارای ۲۲ ماده و ۱۵ تبصره است در ماده ۲ کلیه عرضه کنندگان کالا و خدمات را که مطابق بند ۱ ماده ۱ شامل تولید کنندگان، وارد کنندگان، توزیع کنندگان، فروشندگان کالا و ارائه کنندگان خدمات می شود مسئول صحت و سلامت کالا دانسته است و مشتری در صورت معیوب بودن کالا یا عدم انطباق کالا با شرایط تعیین شده در قرارداد، حسب مورد اختیار فسخ معامله یا دریافت ارزش را خواهد داشت. در قسمت اخیر ماده نیز مقرر شده که در صورت فسخ معامله از طرف مشتری، پرداخت خسارت از سوی عرضه کننده منتفی است. به نظر می رسد منظور از خسارت در این قسمت «ارزش» می باشد؛ دلیل نگارش ماده، شخص نیست چرا که در صورت وجود عیب یا عدم تطابق کالا با مشخصات تعیین شده، استفاده از خیار عیب یا تخلف از وصف طبق ضوابط کلی مذکور در قانون مدنی میسر می باشد.

در تبصره این قانون، قانون گذار عرضه کننده کالای معیوب را که آگاه از عیب بوده و خساراتی نیز از این عیب حاصل شده سزاوار مجازات دانسته است. ملاحظه می گردد که اولاً: قانون گذار مشخص نکرده منظور از خسارت چیست و آیا همه انواع آن، اعم از خسارت بدنی، مالی و... را شامل می گردد یا نه؟ ثانیاً در ماده ۱۸ صرف ورود خسارت به مصرف کننده به واسطه وجود عیب در کالا را برای تعیین جزای نقدی کافی دانسته و آگاهی یا تفصیر عرضه کنندگان را لازم نمی داند که با حکم مذکور در تبصره ماده ۲ مغایر می باشد.

در مواد ۳ الی ۸ تکالیفی برای عرضه کنندگان کالا و خدمات و تولید کنندگان مقرر شده است. در فصل سوم تشکیل انجمنهای حمایت از حقوق مصرف کنندگان پیش بینی شده و وظایف و اختیارات این انجمنها در ماده ۱۲ احصا گردیده است. در ماده ۱۴ به منظور تسهیل و تسریع در رسیدگی به تخلفات و در راستای

استیفای حقوق مصرف‌کنندگان، به انجمنهای حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان اجازه داده شکایت رسیده از افراد حقیقی یا حقوقی را مورد بررسی قرار داده و در صورت عدم توافق طرفین یا جهت رسیدگی به سازمان تعزیرات حکومتی ارجاع نمایند. سازمان مذکور هم موظف است شکایات مربوط به اصناف مشمول قانون نظام صنفی را در مواردی که دارای عنوان مجرمانه نباشد بر اساس قوانین و مقررات مربوط رسیدگی و حکم لازم را صادر و اجرا کند. در فصل پنجم با عنوان «جریمه‌ها و مجازاتها» نیز در صورت وجود خسارات ناشی از عیب یا تخلفات مذکور در مواد ۳ الی ۸ جزای نقدی برای عرضه‌کنندگان پیش‌بینی شده است.

بررسی کاستیها و ایرادات این قانون، با توجه به اهمیت موضوع و فراوانی موارد قابل بررسی، خود می‌تواند موضوع مقاله جداگانه‌ای قرار گیرد؛ ولی به اختصار می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱. شیوه نگارش ماده ۱۴ نشان می‌دهد اول باید شکایات رسیده از افراد حقیقی یا حقوقی در انجمنهای حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مورد بررسی قرار گیرد و تلاش برای حصول توافق و سازش بین شاکی و متشاکی صورت پذیرد و در صورت عدم تحقق این امر، برای رسیدگی به سازمان تعزیرات حکومتی ارجاع گردد. البته ظاهر ماده، به صراحت بیانگر این مطلب نیست؛ چون استفاده از کلمه «یا» این اختیار را به انجمنها داده است که تصمیم بگیرند برای رسیدن به سازش تلاش کنند یا پرونده را به سازمان تعزیرات حکومتی ارسال کنند.

۲. طبق مواد ۱۴ و ۲۲ این قانون، سازمان تعزیرات حکومتی مرجع صالح رسیدگی به تخلفات مندرج در این قانون معرفی شده و به شکایات مربوط به «اصناف» مشمول قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴ آن هم در صورتی که دارای عنوان مجرمانه نباشد رسیدگی می‌نماید. در ماده ۲۲ نیز مقرر گردیده که از تاریخ تصویب این قانون، هیئتهای بدوی و تجدید نظر مذکور در ماده ۷۲ قانون نظام صنفی کشور، دیگر صالح به رسیدگی نخواهد بود.

طبق این مواد، اولاً: سازمان تعزیرات حکومتی فقط به شکایات مربوط به «اصناف» مشمول قانون نظام صنفی رسیدگی می‌نماید؛ در نتیجه مرجع رسیدگی به

شکایات رسیده در مورد وزارتخانه‌ها، مؤسسات، سازمانها یا شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی غیر دولتی که مطابق ماده ۹۰ قانون نظام صنفی از شمول این قانون مستثنا شده‌اند مشخص نیست.

ثانیاً: سازمان تعزیرات حکومتی برای رسیدگی به مواردی که دارای عنوان مجرمانه می‌باشد صلاحیت ندارد و در این گونه موارد، ظاهراً دادگاههای عمومی صالح به رسیدگی می‌باشند.

قانون گذار، مواردی مانند عدم نصب برچسب قیمت، عدم ارائه اطلاعات لازم درباره کالا و... را تخلف صنفی محسوب کرده و رسیدگی به این تخلفات را اگر توسط اصناف صورت پذیرد در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی قرار داده است؛ بنابراین استفاده از کلماتی مانند مجازات و جزای نقدی را که ارتکاب جرم را به ذهن تداعی می‌کند در قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان باید ناشی از بی توجهی مقنن یا ناآشنایی وی با مفاهیم حقوقی دانست.

۴-۲-۶. قانون ارتقای کیفی تولید خودرو و سایر تولیدات صنعتی داخلی
این قانون دارای ۱۴ ماده و ۶ تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه ۱۳۸۹/۲/۲۶ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۹/۳/۵ به تأیید شورای نگهبان رسیده است. در ماده ۱ این قانون، وزارت صنایع و معادن مکلف شده است ظرف مدت ۳ ماه برنامه و سیاستهای مرتبط با اجرای استانداردهای مختلف در امر تولید را تهیه و پس از تصویب هیئت وزیران جهت اجرا به کلیه خودروسازان و مراکز ذی ربط ابلاغ نماید. هدف از تصویب این قانون، همان طور که از عنوان آن پیداست، ارتقای سطح کیفی تولیدات داخلی با اجرای استانداردهایی می‌باشد که توسط وزارت صنایع و معادن اعلام می‌گردد. در این قانون، برای تولیدکنندگان و واردکنندگان متخلف یعنی آنهایی که اقدام به تولید خودروهای غیر استاندارد نموده یا کالاهایی وارد کشور می‌کنند که مورد تأیید مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران نمی‌باشد ضمانت اجرایی پیش‌بینی شده است که طبق تبصره ۱ مواد ۲ و ۳ عبارتند از: ممنوعیت شماره گذاری خودروهای تولیدی توسط نیروی انتظامی و ممنوعیت توزیع کالاهای وارداتی.

نتیجه‌گیری

به منظور وضع و تصویب قوانین، شناخت اصول و قواعد حقوقی فقهی و بررسی روایات و احادیث وارده از معصومان علیهم‌السلام ضروری است؛ چون قوانینی پایدار، کم‌عیب و مورد قبول مردم می‌باشند که برخاسته از فرهنگ حاکم بر جامعه و عقاید مذهبی و اصول مسلم حقوقی باشند. یادداشت‌برداری از قوانین سایر کشورها هرچند گاهی ضروری است ولی زمانی کارآمد خواهد بود که این قوانین بومی شده و با فرهنگ و اصول حقوقی کشور سازگار گردد. بررسی پیشینه تقنینی کشور نشان می‌دهد متناسب با نیاز جامعه، قانون‌گذار ابتدا به موضوع تخلفات صورت گرفته در تولید مواد خوردنی، آشامیدنی و آرایشی و... پرداخته و با وضع قوانین به مقابله با تولیدکنندگان متخلف این مواد اقدام کرده و با حرکت هر چه بیشتر به سوی صنعتی شدن، نیاز به وضع قوانینی جامع‌تر و تخصصی‌تر از سالهای قبل احساس می‌شود که قوانینی نیز در سالهای اخیر به تصویب رسیده است. ولی پراکندگی این قوانین و برخوردهای متفاوت قانون‌گذار با تخلفات افراد مرتبط با امر تولید و توزیع کالا یکی از ایرادات اصلی وارده به مقنن بوده و بازنگری در قوانین و تصویب یک قانون که ناسخ همه قوانین قبلی در این رابطه بوده و دقت در نگارش قانون یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر می‌باشد.

هرچند تصویب قوانین متناسب و مورد نیاز، اولین قدم جهت تحقق عدالت است، مهم‌تر از تصویب قانون، نظارت بر اجرا و برخورد قاطع با قانون‌شکنان می‌باشد. اطمینان متخلف از اینکه در صورت تخلف قطعاً به قهر قانون دچار خواهد شد او را از ارتکاب این عمل باز می‌دارد؛ نه صرفاً ضمانت اجراهای هرچند شدید در نظر گرفته شده در قانون.

کتاب شناسی

۱. آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی، چاپ پنجم، تهران، نی، ۱۳۸۴ ش.
۲. استفانی، گاستون، ژرژ لوسور و برنار بولوک، حقوق جزای عمومی، ترجمه دکتر حسن دادبان، چاپ دوم، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۳ ش.
۳. امیدی، مهرانگیز و علیرضا سعادت‌مندی، نگاهی به حقوق مصرف‌کننده، تهران، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۴ ش.
۴. انصاری، شیخ مرتضی، مکاسب، چاپ سوم، قم، آرموس، ۱۳۸۳ ش.
۵. جعفری تبار، حسن، مسئولیت سازندگان و فروشندگان کالا، تهران، دادگستر، ۱۳۷۵ ش.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ نهم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۷ ش.
۷. حاجی ده‌آبادی، احمد، قواعد فقه جزایی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ ش.
۸. الخوئی، السید ابوالقاسم، مبانی تکلمة المنهاج (قضا و حدود)، جلد ۴۱، چاپ سوم، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۲۸ ق.
۹. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، چاپ دوم (از دوره جدید)، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
۱۰. شامیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، چاپ یازدهم (چاپ دوم مجد)، تهران، مجد، ۱۳۸۸ ش.
۱۱. شهید اول، محمد بن جمال‌الدین مکی العاملی، اللمعة الدمشقیة، ترجمه و تبیین علی شیروانی و محسن غرویان، چاپ یازدهم، قم، دار الفکر، ۱۳۷۸ ش.
۱۲. شیروانی، علی، ترجمه و تبیین شرح لمعه، چاپ هفتم، قم، دار العلم، ۱۳۸۶ ش.
۱۳. صادقی، محمدهادی، حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)، چاپ دوم، تهران، دادگستر، ۱۳۷۸ ش.
۱۴. عوجی، مصطفی، المسؤولية الجنائية، بیروت، نوفل، ۱۹۸۵ م.
۱۵. قیاسی، جلال‌الدین، تسبیب در قوانین کیفری، قم، مدین، ۱۳۷۵ ش.
۱۶. کاتوزیان، ناصر، الزامهای خارج از قرارداد (ضمان قهری)، چاپ ششم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶ ش.
۱۷. همو، دوره مقدماتی حقوق مدنی (وقایع حقوقی)، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷ ش.
۱۸. همو، مسئولیت ناشی از عیب تولید، چاپ دوم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۴ ش.
۱۹. همو، مقدمه علم حقوق، چاپ بیست و سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷ ش.
۲۰. محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه (بخش جزایی)، چاپ چهارم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۲۱. همو، قواعد فقه (بخش مدنی)، چاپ چهاردهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
۲۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ دوازدهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷ ش.
۲۳. منتقمی، فروغ، مسئولیت سازندگان و فروشندگان کالا در حقوق ایران، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۸۵ ش.
۲۴. میرسعیدی، سیدمنصور، مسئولیت کیفری (قلمرو و ارکان)، تهران، میزان، ۱۳۸۳ ش.
۲۵. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۴۳، تصحیح و تحقیق و تعلیق رضا

استادی، الطبعة السابعة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م.
۲۶. نجیب حسنی، محمود، *رابطه سببیت در حقوق کیفری*، ترجمه سیدعلی عباس نیای زارع، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۵ ش.
۲۷. ولیدی، محمد صالح، *حقوق جزای عمومی*، تهران، بهرام، ۱۳۷۸ ش.
۲۸. هاشمی نژاد، سید عبدالکریم، *مسائل عصرها*، چاپ ششم، بی جا، بی تا.
29. Hunt, Martin, *A level and as level law*, Sweet & Maxwell, London, 2000.

